

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

شفاعت و رمز نیل به آن

امام صادق علیه السلام در ساعات آخر عمر شریفشان دستور دادند فرزندان، اهل خانه و بستگانشان جمع شوند. آن گونه که روایت شده است؛ حضرت درحالی که ساعات آخر عمر شریفشان را طی می‌کردند و در اثر سستی که به حضرت خورانده بودند، به شدت نحیف شده بودند؛ بی‌رمق چشم‌ها را باز کردند؛ وقتی دیدند همه جمع شده‌اند، فرمودند: وصیت پایانی من این است که هرکس نماز را خفیف بشمارد، به شفاعت ما اهل بیت نایل نمی‌شود. شفاعت ما اهل بیت به کسی نمی‌رسد که نسبت به نمازش مُستَخِف است؛ آن را خفیف و کم‌اهمیت می‌شمارد؛ نماز را به قدری گران‌بها نمی‌داند که نسبت به آن اهتمام تام داشته باشد. این فرمایش حضرت پیام بزرگی دارد. چون آخرین جملات هرکس، خلاصه و چکیده‌ی تجربیات و دانسته‌های تمام عمر اوست. تأکید آن حضرت در آخرین لحظات عمر شریفشان، روی چنین نکته‌ای؛ حکایت از اهمیت دو امر دارد؛ یکی اهمیت شفاعت اهل بیت علیهم السلام که خود باب وسیعی است؛ این که شفاعت چیست؟ شفاعت در دنیا چیست؟ شفاعت در آخرت چیست؟ شفاعت تکوینی چیست؟ شفاعت تشریحی چیست؟ شفاعت مغفرت چیست؟ شفاعت رهبری و هدایت چیست؟ هر یک بحث بسیار مفصلی است؛ و الآن در مقام این نیستیم که بحث شفاعت را باز کنیم؛ اما شفاعت اهل بیت علیهم السلام تنها راه نجات است. بنا به احادیثی که داریم، فردای قیامت احدی، حتی انبیاء، راهی برای نجات ندارد؛ مگر از رهگذر بهره‌مندی و برخورداری از شفاعت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام. در احادیث داریم در قیامت امت‌های انبیاء به سراغ پیامبرانشان می‌روند و از آنها مدد می‌خواهند. آنها می‌گویند ما هم کاری از دستمان بر نمی‌آید. سرانجام همه‌ی پیامبران علیهم السلام، امت‌هایشان را خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

می‌آورند و به برکت شفاعت پیامبر اکرم ﷺ است که همه‌ی کسانی که اهل نجاتند، نجات پیدا می‌کنند.^۱

شفاعت امر خطیر و مهمی است؛ رمز نجات و فلاح و سعادت آخروی و جاودانی انسان است. یکی از یاهوها و سخنان پوچ و خلاف قرآن و نصوص نبوی که وهابیون می‌گویند، انکار شفاعت است. در حالی که قرآن کریم، به صراحت از وجود شفاعت سخن می‌گوید و شفیعان حق را صاحب مقام شفاعت می‌داند. در این سخن امام صادق علیه السلام تصریح شده است که اهل بیت علیهم السلام دارای مقام شفاعتند.

نکته‌ی دومی که در این بیان کوتاه حضرت، بر آن تأکید شده است، بحث نماز است. شفاعت به معنای جُفْت شدن است؛ در زبان عربی، به جُفْت، شَفَع می‌گویند، در برابر طاق یا فرد، که به آن وتر یا وتر می‌گویند. قرآن هم به آن اشاره کرده است؛ «وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ»^۲. شفاعت یعنی جُفْت شدن. کلید این جُفْت شدن یا مُلْحَق شدن به اهل بیت علیهم السلام نماز است. این نکته‌ی بسیار بزرگی است؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد به اهل بیت علیهم السلام راه پیدا کند، شاه‌کلید ارتباط و اتصال و بهره‌مندی از شفاعت ایشان، شَفَع شدن با ایشان از راه نماز است؛ چه شفاعت هدایتشان در دنیا و چه شفاعت مغفرتشان در قیامت و چه ابعاد شفاعت تکوینی‌شان. شرط جُفْت شدن و مُنْضَم شدن، سنخیت است؛ «السُّنْحِيَّةُ عَلَةُ الْإِنْضِمَامِ».

سنخیت سبب انضمام چیزها به یکدیگر است. نماز سنخیت با اهل بیت علیهم السلام را ایجاد می‌کند. نماز رمز اتصال و راه پیدا کردن به اهل بیت علیهم السلام است. اگر کسی می‌خواهد در همین دنیا به اهل بیت علیهم السلام راه پیدا کند، اهتمام بر نماز داشته باشد. نماز را مهم بشمارد.

حضرت نفرمودند کسی که نماز نخواند به شفاعت ما نمی‌رسد؛ فرمودند کسی که نماز را سبک بشمارد! چون گاهی اوقات ممکن است فردی نمازی از دستش برود و نمازش را نخواند؛ فرض کنید خوابش

^۱. مجلسی، بحار، ج ۸، ص ۳۵ و ۴۵.

^۲. سوره‌ی فجر، آیه‌ی ۳.

برده و وقتی بیدار شده است؛ مثلاً آفتاب زده است و وقت نماز صبح از دستش رفته است؛ اما از این که چرا این وظیفه‌ی بزرگ الهی و فریضه‌ی بزرگ آسمانی، از دستش رفته است و آن نماز را نخوانده است، به شدت متأثر و متأسف است؛ این شخص نماز را مهم می‌شمارد. اما ممکن است کسی نماز بخواند، اما آن را مهم نشمارد و یک امر کم‌اهمیت بداند و فقط طبق عادت و بی‌توجه، نماز را تکرار کند.

نکته‌ی دیگر این که درباره‌ی کسانی که نسبت به نماز اهل سهو^۳ند؛ نماز را دست‌کم می‌گیرند و با بی‌توجهی به نماز می‌پردازند؛ قرآن فرمود: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ؛ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۳ و بیل چاه عمیقی در دوزخ است که مرکز تولید حرارت جهنم است. خدا می‌داند آن چاه چه گرمایی دارد. قرآن فرمود و بیل یا وای بر کسانی که نماز نمی‌خوانند؛ فرمود: و بیل یا وای بر نمازگزاران؛ منتها نمازگزارانی که نمازشان توأم با بی‌توجهی است. ممکن است مقصود از «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»، کسانی باشند که نمازشان بی‌ولایت است. جایگاه چنین کسانی آن چاه سوزان دوزخ است. اگر از این منظر نگاه کنید؛ فرمایش امام صادق علیه السلام معنای روشن‌تری پیدا می‌کند. مُسْتَخِفًّا به صلاة، کسی است که در نمازش ولایت نیست. کسی که در نمازش ولایت نیست، چگونه به شفع و جفت شدن با اهل بیت علیهم السلام نائل شود؟ چه شفع را جفت شدن وجودی بگیریم؛ چه جفت شدن دعایی. شفع شدن دعایی یعنی هم خود فرد از خدا طلب بخشش کند و هم پیامبر و امام از خدا بخواهند که او را بیامرزد. وقتی این دو دعا به هم ملحق می‌شود، شفاعت اتفاق می‌افتد؛ این دو دعا شفع می‌شوند. قرآن هم همین دستور را داد؛ فرمود: «وَأَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ» ای رسول خدا، اگر کسانی که بر نفس خودشان ظلم کردند، پیش تو بیایند؛ «فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ» خودشان از خدا طلب مغفرت کنند؛ «وَاسْتَغْفِرَ لَهُمُ الرَّسُولُ»

^۳ سوره‌ی ماعون، آیه‌های ۴ و ۵.

پیغمبر هم برای آنها طلب مغفرت کند؛ وقتی این دو طلب مغفرت با هم جمع و شفع شدند و شفاعت مغفرت اتفاق افتاد؛ «لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً»^۴ در آن حالت خدا را تَوَّاب و رحیم می‌یابند.

شهادت امام صادق علیه السلام را به محضر فرزند برومند و بزرگوار آن حضرت، بقیه الله الأعظم امام عصر ارواحنا فدا و همه‌ی پیروان، ارادتمندان، سرسپردگان و دوست‌داران ایشان، خصوصاً عزیزانی که در محضرشان هستیم و دوستانی که، از طریق سایت اهل ولاء از جلسه استفاده می‌کنند، تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم خدای متعال ما را شاگردان شایسته‌ای برای مکتب امام صادق علیه السلام قرار دهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^۴. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۶۴.